

ادبیات داستانی اختصاص داده، چونانکه از شانزده گفتار کتاب، یازده گفتار آن درباره داستان است. نثر کتاب ساده و روشن و رساست، و چون بگفته نویسنده مخاطب آن «در درجه اول، دانشجویان مقطع کارشناسی ادبیات فارسی و علاقمندانی در این حدود هستند» زبان کتاب درخور کارکرد آن است.

نویسنده در بحث از هر نویسنده یا مترجم، اثر یا آثار و نثر او را از سه دیدگاه مضمون و محتوا، ویژگی و نقدها بررسی شده و پیداست که دامنه بحث در هر یک از این سه دیدگاه، با اهمیت نویسنده یا مترجم نسبت مستقیم دارد، هرچند که این قاعده گاهی رعایت نشده است.

بر روی هم، کتاب به روش پژوهشی دانشگاهی پرداخته شده و به علت سادگی و سامان روشمندانهاش نوآموزان را به کار می آید و پیداست که دیگران نیز می توانند از آن بهره مند شوند. در خلال صفحات کتاب، نکته هایی به چشم می آید که یادآوری آنها برای آراسته تر کردن آن در چاپ های بعدی بی فایده نیست.

۱- در صفحه ۲۶ آمده است «مسالک المحسنین داستان سفر گروهی به جنگل های شمال کشور است» در حالیکه می دانیم این اثر طایبوف داستان سفر اکتشافی گروهی به قله دماوند است.

۲- عنوان مقاله های علی اکبر دهخدا در روزنامه صوراسرافیل، «چرند و پرند» نوشته شده که درست آن «چرند پرند» است. (ص ۲۷)

۳- در صفحه ۲۷ نوشته شده است: «همچنین نباید تأثیر نسیم شمال را فراموش کرد که گرچه شعر می گفت! اما با کاربرد زبان عامه در شعر و ادبیات، خدمت زیادی به سادگی و عامیانی زبان کرد.» در اینجا اشتباهی روی داده و نام روزنامه نسیم شمال با نام مدیر آن اشرف الدین حسینی گیلانی خلط شده است. نسیم شمال عنوان روزنامه بود و پیداست که روزنامه شعر نمی گوید. شعر را در آن چاپ می کنند. شهرت این روزنامه سبب شده که مردم نام آن را به مدیریتش بدهند

که البته در یک اثر پژوهشی نباید چنین باشد. ۴- در صفحه ۲۸ میرزا ملکم خان ناظم الدوله در عداد کسانی که به تاریخ ایران باستان گرایش داشتند آمده است؛ اما چنین نبوده است. ملکم همه تلاش و اندیشه خود را در راه نوسازی ایران به کار می برد، و اگر گاهی از شاهان گذشته اساطیری یا تاریخی نام می برد به قصد ریشخند کسانی بود که راه و رسم گذشته را می پسندیدند و اندیشه نو را که او منادی آن بود، تاب نمی آوردند.

۵- در صفحه ۳۱، حسن مقدم، محمد مقدم و اثر او نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده»، «جعفر خان از فرنگ برگشته» نوشته شده است. گویا چنانکه نویسنده محترم در مقدمه کتاب نوشته «بیشتر مطالب از حافظه نقل شده اند»، و پیداست که حافظه چندان امین نیست، و از این گونه اشتباهات پیش می آورد.

۶- یونسکو (سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد) در ۱۳۲۴ (۱۹۴۵ م) تأسیس شده است، اما نویسنده مطلب را به گونه ای نوشته اند که خواننده تصور می کند این سازمان پیش از ۱۳۱۵ تأسیس شده است: «[جمال زاده] بعدها کارمند یونسکو شد و مدتی نماینده دانشجویان ایرانی در دانشگاه های اروپا بود. در حدود داستان های آتش پرست، آب زندگی، آخرین لبخند، سایه مغول، تخت ابونصر و نمایشنامه پروین دختر ساسان، از گذشته طلایی ایران سخن می گوید» در صورتیکه می دانیم داستان «آب زندگی» به گذشته طلایی ایران اشاره ای ندارد. این داستان از فرهنگ توده ما به گرفته، و به اوضاع عصر نویسنده و جوامع معاصر او توجه دارد، و به روش آرمانشهرنویسان، شهری آرمانی (کشور همیشه باهار) را که در آن دانایی و دادگری و مهربانی فرمانروایی می کند، در برابر شهرهای تبا شده (کشور زرافشون و کشور ماه تابون) قرار می دهد.

۸- نویسنده در صفحه ۴۹، در بازگفت علت های موفقیت هدایت «مخالف خوانی» او را مهمترین عامل دانسته اند و این راهی است سزاوار تأمل. اگر

شعر فارسی در تاریخ هزار ساله اش، چونان سروی سایه افکن، نهال نثر را در سایه گسترده خود پنهان کرده و از رشدی بایسته بازش داشته است. تنها در دوران معاصر بود که نثر، روزنه ای به روشنایی گشود، و از بند تصنع و تکلفی که منشیان و مترسلان فضل فروش بر دست و پایش بسته بودند رها شد و به میان مردم آمد و کم کمک جایگاه شایسته یافت. به رغم تذکره نویسان گذشته که نثر را چنان سزاوار نیافته اند که درباره اش قلم بفرسایند، و برخلاف فرهنگ نویسانی که آن را درخور عنایتی ندانسته اند که چون شعر از آن نیز برای واژه های گواهی آورند، دانشوران روزگار ما، با این آگاهی که نثر نه همان در عالم ذوقیات چونان شعر، دماغ پرور و سرمست کننده تواند بود که ابزار ناگزیر ارتباط اجتماعی است و جایگاهش در ادب فارسی معاصر چون و چرا بر نمی تابد. و بدین سبب است که به آن عنایت کرده برای نشان دادن مقام و کارکرد و موضعش در ادب معاصر قلم فرسوده اند. کتاب «کارنامه نثر معاصر» از جمله آثاری است که نویسنده آن کوشیده است تا نثر فارسی معاصر را در چهار حوزه داستان، نمایشنامه، نثر علمی و ترجمه، به روشی پژوهشگرانه بررسی کند. کتاب در شانزده گفتار تدوین شده و در مقدمه بیشتر گفتارها کلیاتی درباره یکی از نوع های ادبی به کوتاهی شرح داده شده است. نویسنده در نخستین گفتار سیر تاریخی ادب داستانی را در جهان در قالب چهار حلقه اسطوره، افسانه، رمانس و رمان بررسی کرده و در هر مورد توضیحی سودمند داده است. نویسنده به درستی بیشتر کتاب را به



حجت الله اصیل

کارنامه نثر معاصر

حمید عبداللهیان

انتشارات پایا، چاپ اول، ۱۳۷۹

مخالف خوانی هدایت مهمترین عامل موفقیت او بوده است، بایست اثری چون یوف کور کم خواننده‌ترین نوشته هدایت باشد. آنچه رمز موفقیت هدایت و علت اقبال همگان به آثار او است، نه مخالف خوانی، که جوهر هنری نهفته در آن آثار و صداقت هدایت در تجسم شخصیت‌ها و صحنه‌های داستان‌هایش است. درحقیقت آنچه اثری ادبی را به اوج می‌رساند، آن لطیفه نهانی است که نام آن هنر است. هرگاه این هنر توانایی نفوذ در روح آدمی را داشته باشد و او را به دنیای هنرمند با دلهره‌ها، آندوه‌ها و شادی‌هایش درآورد، هنری است موفق و بیشتر آثار هدایت، صرفنظر از موضوع آنها چنین است. قیاس دو کتاب از بزرگان ادب فارسی موضوع را روشن‌تر می‌سازد. گرشاسپ‌نامه، سروده اسدی طوسی در برخی از ظرایف و دقایق شعری چشمگیر است، اما در قیاس با شاهنامه آن جوهر هنری یا به گفته حافظ آن «آنی» را که دل از خواننده می‌ریاید ندارد. چنین است که سروده استاد طوس را هزار سال بر سر کوی و برزن و در خانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها... خوانده‌اند و می‌خوانند، اما گرشاسپ‌نامه در پشت مخازن تاریخ کتابخانه‌ها جا خوش کرده و اگر خواننده بیابد، پژوهنده‌ای کنجکاو است که می‌خواهد در تاریخ ادب فارسی سره و ناسره را بررسی کند، نه خواننده تشنه هنر ناب.

۹- تاریخ درگذشت علی دشتی ۱۳۵۷ (ص ۶۴) نیست. گویا وی در ۱۳۶۰ درگذشته است.

۱۰- تاریخ تولد هوشنگ گلشیری ۱۳۲۲ نوشته شده که ۱۳۱۶ درست است.

۱۱- به عوامل روی‌آوری نویسندگان به روستانویسی باید این نکته را افزود که تشکیل سپاه‌های مختلف چون سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج و... و گسیل کردن جوانان درس خوانده به روستاها، میان شهر و روستا پلی پدید آورد که توجه به روستا را افزون کرد. نخست تک‌نگاری‌ها آغاز شد که نمونه نیکوی آن «طالب‌آباد» اثر جواد صفی‌نژاد بود و

کارهای آل‌احمد. آنگاه کار به عرصه داستان‌نویسی کشید و ادبیات روستانویسی شکل گرفت.

۱۲- نویسنده در صفحه ۱۵۰، از نثر ادبی و علمی سخن می‌گوید و نمونه‌های نیکوی نثرنویسان این حلقه‌ها را چون دکتر شفیع کدکنی، شادروان دکتر غلامحسین یوسفی، شادروان دکتر عبدالحسین زرین‌کوب و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن معرفی کرده است. اما بحث از نثر در این دو عرصه بدون یاد نام کسانی چون محمدعلی فروغی، دکتر حمید عنایت و دکتر امیرحسین آریانپور ایتر است. فروغی دانشوری دوفرهنگه بود با دانشی عمیق و نثری که بهترین نمونه نثر سیاسی و اجتماعی و نثری سهل و ممتنع بود که در آن هر واژه به دقت تمام برگزیده شده بود. حمید عنایت در عصر خویش در نثر از سرآمدان بود. نثری زیبا، نجیب و استوار و معتدل داشت. تنها نثر ترجمه عنایت بود که با نثر فروغی در این زمینه پهلو می‌زد. دکتر امیرحسین آریانپور نیز از نویسندگان موفق است که نثری پخته و تر و تازه و استوار دارد. با اینکه در آوردن واژگان پارسی تا حدی افراط می‌کند، گزینش و کاربرد استادانه آنها نثر وی را دلپذیر می‌سازد. شناخت نثر آنان برای جوانان تازه‌کار بسیار ضروری است.

۱۳- در صفحه ۱۷۱ نوشته شده است: «میرزا حبیب اصفهانی از نخستین دانشجویان ایرانی اعزام شده به فرنگ بود...» تا آنجا که ما آگاهی داریم، میرزا حبیب برای تحصیل به هیچ کشور فرنگی نرفته است. او در ایران و عتبات درس خواند، سپس برای جان بردن از آت‌های که به وی زدند، به عثمانی پناه برد، و در ۱۳۱۵ دور از وطن درگذشت.

بر روی هم کتاب سودمند و خواندنی است، و به آنان که می‌خواهند درباره نثر پارسی معاصر اطلاعاتی داشته باشند، یاری می‌رساند. موادی که یادآوری کردیم، سودمندی کتاب را مخدوش نمی‌سازد. شاید که برخی‌شان خطای چاپخانه‌ای باشد، که در چاپ‌های بعدی قابل اصلاح است.

## فرد کندی

فرزین پور محبی

ناشر: مولف، چاپ اول، ۱۳۷۹

فردکندی، داستان بلندی از فرزین پور محبی است که روی جلد خود عبارت «نخستین داستان طنز عجیب و غریب جهان» را یدک می‌کشد. البته از جهاتی این اثر هم عجیب است و هم غریب. غریب است از این رو که فضایی تخیلی دارد و از خلاقیت ذهنی نویسنده آن حکایت می‌کند و پرداخت ویژه آن یعنی آفرینش داستان‌های ایزودیکتی که به هم می‌پیوندند و یک داستان واحد را تشکیل می‌دهند تا در قالب به تصویر کشیدن زندگی مردی عجیب، بیانگر نظرگاه‌های فکری نویسنده در زمینه زندگی و مرگ باشند، نیز مؤید این توان است.

اما کتاب، عجیب است، از این نظر که نویسنده خود در دیباچه اقرار کرده است «با آگاهی کامل از دردسرهای حرفه‌ای طنزنویسی به این رشته روی آورده‌ام». ولی به نظر می‌رسد که وی چندان متوجه ظرایف کنار طنزنویسی نیست. حیفاً است استعدادهایی که می‌توانند در طول زمان با کار مستمر به سبک قابل قبولی در عرصه طنز یا ادبیات دست یابند، با ارتکاب چاپ داستان کوتاه و بلند در قالب کتاب، به ورطه مشکلات چاپ و نشر افتند و امکان محک زدن ذوق و توان خود را نیز پیدا نکنند.

برخی از جمله‌ها در صفحات ۳۸، ۴۰، ۵۰، ۶۰ یا کلماتی چون «تشنه وارانه»، «به طرز مشمزه‌انه‌ای» و... در کتاب نمایانگر ضعف در نوشتار است. به این عبارت توجه کنید:

«با این اوضاع، پس از چندگاهی، شهر، مملو از ابراز تأسف مردمانی با سرهای قبلاً تکان داده شده گردید.» (ص ۴۰)

در عین حال، قلم نویسنده، از توان طنزنویسی او چه از زاویه نگاه طنزآمیز به موضوع و چه به کارگیری عبارت‌های طنزگونه در آثارش حکایت دارد. عباراتی مثل «وی به دلیل به یادداشتن کفش‌های پاشنه بلند، معمولاً چند سانت بیش از دیگران به خدا نزدیک‌تر نشان می‌داد.» و یا «بعد نیز پوزدی ازها (دشمنان) را به خاک مالیده، بدین وسیله سر و صورت آنها را کثیف کنند.» شاهدهی بر این مدعا است که در صورت دستیابی نویسنده به نثری پیراسته‌تر، می‌تواند هم در قدرت بیشتری یابد.

# کارنامه نثر معاصر